



Analysis of the culture of waiting in the lyric poems of Qaisar Aminpour and Alireza Ghazveh

* Droudgarian, Farhad

** Tadayon, Zahra

Abstract:

"Waiting" is one of the spiritual and doctrinal positions of Muslims and is one of the important and valid religious themes that has found a special expression in Persian poetry (especially after the Islamic Revolution) and is presented as an ideal. Waiting is considered not only as a school of thought and thought but also as a basic need for human beings today in contemporary Persian poetry because paying attention to this category causes encouragement and hope for the future in the subconscious of contemporary man.

In this article, with the method of content analysis, the category of waiting in the lyric poems of two living contemporary poets, Gheisar Aminpour and Alireza Ghazveh, is studied and analyzed. Analyzing the data obtained from this analysis, the article concludes that the special place of the character of the Promised Savior in literature shows that this culture is very important in contemporary poetry and these two poets follow with a mystical and romantic look. They find themselves lost, which is the religious promise of contemporary culture, and they refer to it with titles such as the model and guide of individual and collective life of individuals. Finally, according to studies, Aminpour 4.5% and Qazveh 10% of his lyric poems are dedicated to the culture of waiting.

Keywords: Farhang Entezar, Ghazal Moaser, Qaisar Aminpour, Alireza Ghazveh, Analysis

نگاهی به «فرهنگ انتظار» در غزلیات قیصر امین پور و علیرضا قزوه

* دروڈگریان، فرهاد
** تدین، زهرا

چکیده:

«انتظار» یکی از مواضع معنوی و اعتقادی مسلمانان و از مضامین آئینی مهم و معتبر به شمار می رود که در شعر پارسی (به ویژه پس از انقلاب اسلامی) نمودی خاص پیدا کرده است و به عنوان یک آرمان مطرح می شود. انتظار نه تنها به عنوان یک مکتب عقیدتی و فکری بلکه به عنوان نیازی اساسی برای بشر امروز در شعر معاصر فارسی مطرح است زیرا توجه به این مقوله باعث دلگرمی و امیدواری به آینده در ناخودآگاه انسان معاصر می شود.

در این مقاله با روش تحلیل محتوا مقوله انتظار در غزلیات دو شاعر معاصر زنده یاد قیصر امین پور و علیرضا قزوه بررسی و تحلیل می شود. مقاله با تحلیل داده های برگرفته از این تحلیل به این نتیجه می رسد، جایگاه ویژه ی شخصیت منجی موعود در ادبیات، نشان می دهد که این فرهنگ اهمیت به سزایی در شعر معاصر دارد و این دو شاعر با نگاهی عارفانه و عاشقانه به دنبال گم شده ی خود می گردند که همانا موعود دینی فرهنگ معاصر است و از او با القاب و عناوینی همچون الگو و راهنمای زندگی فردی و جمعی افراد یاد می کنند. در نهایت طبق بررسی ها امین پور 4.5 درصد و قزوه 10 درصد از غزلیاتش به فرهنگ انتظار اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ انتظار، غزل معاصر، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، تحلیل و بررسی.

*دانشیار دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول، تهران f.doroudgarian@yahoo.com
**دانشجوی دکتری ادبیات غنائی پیام نور تهران مرکز تحصیلات تکمیلی-مدرس دانشگاه پیام نور بروجن

مقدمه:

در توضیح شعر آیینی آمده است که: «هر مقوله‌ی شعری که رنگ دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، شعر آیینی نامیده می‌شود.» (زهرا محدثی خراسانی، 1388، 18) و وجه تمایز این نوع شعر با اشعار دیگر در «موضوعاتی است که به آن می‌پردازد و در خصوص عناصر شعری با آن تفاوتی ندارد.» (محمد علی مجاهدی، 1394، 77). یکی از موضوعاتی که در شعر آیینی همواره مورد نظر بوده است، انتظار است؛ «ایده‌ی مهدویت، ایده‌ای است برگرفته شده از جهان بینی توحیدی که اساس آن اعتقاد به حاکمیت نظام احسن در حدوث و بقا عالم تکوین و تشریع می‌باشد. ریشه‌ی تفکر مهدویت در مثبت اندیشی، سبقت رحمت الهی بر غضب وی و آینده‌نگری روشن جلوه‌گر می‌شود.» (ابراهیم شفیع‌ی سروسنایی، 1387، 235).

یکی از مضامینی که در سال‌های پس از انقلاب وارد شعر پارسی شد و یا به عبارت دیگر؛ دوباره رونق گرفت توجه به فرهنگ انتظار است. انتظار، یکی از مواضع معنوی و اعتقادی مسلمانان است که همگان را به آینده‌امیدوار و دلگرم می‌کند. «انتظار یعنی نه گفتن به حال تاریک و آری گفتن به آینده‌ای روشن و این همان مفهوم لا اله الا الله است.» (مهدی نیلی پور، 1387، 4) این امر تا حدی مهم است که بسیاری افراد - به ویژه شعرا - علاوه بر بحث اعتقادی، عاشقانه در انتظار موعود به سر می‌برند. این مضمون افق‌های زیبا و معنوی خاصی در شعر پس از انقلاب را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به فرهنگ دینی انقلاب، شاعران این دوره کم و بیش به این مطلب پرداخته‌اند و با این عمل علاوه بر اعتقاد درونی خود به «مهدویت»، بشر امروز را نیازمند حضور منجی موعود می‌دانند. «انتظار» یکی از مواضع امیدواری و آینده‌نگری توأم با خودسازی و حق‌جویی است. «انتظار یعنی حالت آمادگی، یعنی خودسازی و آماده بودن برای هر نوع فداکاری در خدمت امام زمان (ع). انتظار مایه‌ی امید و دلگرمی است و ضد آن یأس و ناامیدی است.» (شیخ الرئیس کرمانی، 1383، 176).

با پیروزی انقلاب اسلامی و رشد و پرورش بیشتر ارزش‌های اسلامی، اغلب بن‌مایه‌های رایج در آثار مختلف به این سمت و سو گرویدند که برای مثال می‌توان به مدح و منقبت ائمه‌ی معصومین و جایگاه مضامین مذهبی مختلف در آثار شاعران و هنرمندان پس از انقلاب؛ اشاره نمود که هر کدام از این مضامین در جای خود در خور تحقیقی جداگانه هستند. با توجه به پررنگ شدن جایگاه امام زمان در آثار شاعران پس از انقلاب اسلامی، مضمون انتظار نیز بسیار پررنگ بوده و از پر بسامدترین

محتواها «content» در شعر معاصر ایران به شمار می رود که همین موضوع اهمیت و نیاز به پرداختن به آن را توجیه می نماید؛ مضافاً بر این که با تغییر سبک زندگی افراد و نزدیکی بیشتر ارزش های دینی، تبیین، تشریح و توصیف این بن مایه ها در آثار معاصر هرچه لازم تر می نماید. علاوه بر این از جمله اهدافی که نگارنده را به این پژوهش سوق داده، بررسی میزان حجمی این اشعار در آثار انتخابی بوده که با استفاده از نمودار، درک روشن تری از جایگاه آن در شعر ارائه می دهد و با اعداد و ارقامی روبرو خواهیم بود که هرچند ناچیز، اما به دلیل کثرت مضامین شعری، هر اندازه هم کم باشند، حائز اهمیت می گردند. از میان شاعران انقلاب اسلامی سعی شده که پرکاربردترین یا کم کاربردترین شاعر در زمینه ی انتظار انتخاب نگردد و بلکه، در حد اعتدال سعی شده از شاعرانی نام ببریم که حد وسط کاربرد این مضامین را دارند و بتوانند درک درستی از میزان این اشعار به ما دست دهند. در این تحقیق از روش کتابخانه ای- اسنادی و نکته نویسی «فیش برداری» استفاده شده است. و تلاش بر این است که تصویر درستی از جایگاه این فرهنگ دینی در شعر معاصر ارائه دهیم.

اهداف پژوهش:

درک درست تر از مفهوم انتظار، جایگاه این مفهوم ارزشی در شعر معاصر و نیز بررسی این موضوع در شعر شاعران شاخص این محتوا بوده؛ که در نهایت به درک درست تری از مضامین رایج شعری پس از انقلاب و نیز اندیشه های شاعران این دوره خواهد انجامید.

پیشینه ی پژوهش:

آثار بسیاری به بررسی و بیان ادبیات آیینی و فرهنگ انتظار در شعر معاصر پرداخته اند که در بعضی از آن ها به دو شاعر مورد نظر ما نیز به طور کامل یا مختصر توجه دارند؛ در این پژوهش از این آثار برجسته در ضمن مطالب اشاره ای آورده می شود.

1- انتظار در شعر قیصر امین پور:

قیصر امین پور «یکی از بزرگ ترین و تاثیر گذار ترین شاعران دوران انقلاب اسلامی ایران است.» (عبدالامیر چناری، 1389، 74)؛ با توجه به این که قیصر امین پور یک شخصیت انقلابی- مذهبی به شمار

می رود؛ شعرهای او در زمینه انتظار، حال و هوای خاصی دارد. او همواره جهان را نیازمند مهدی موعود (عج) می بیند و اسفندهای حیات بشر (زوایای تاریک جامعه بشری) را تنها با حضور او فروردینی می داند. او آرزومند است که روزی با آمدن موعود گل لبخند نه بر لب که بر دل ما بشکفت. روزی که همه چیز آن طور می شود که باید بشود. تمام کارها بی چون و چرا شود و از همه مهم تر عشق است که باید بی چون و چرا گردد. او زلف این منتظر را حلقه پیوند عشاق می داند و آرزو مند است که او روزی بیاید تا عاقبت، سوگندهای ما به حقیقت بپیوندد. قیصر امین پور با تعبیری زیبا این انتظار و نیاز را نشان می دهد. او معتقد است که بدون حضور منجی، همه در حبس ابد تبعید شده اند؛ گویی او به تبعید انسان بر روی زمین اشاره می کند و در دلش رؤیای بازگشتن به ملکوت را می پروراند و همچنین خوشایند بودن گذر زمان را مشروط به ظهور جمال موعود و فصل ها را معیاری برای سنجش فاصله ی او با ما (فاصله ی زمانی ظهور) می داند. امین پور همه ساعت ها و ثانیه ها را از روز آمدن او «عید» می داند و به این وسیله ابراز امیدواری به ظهور صاحب الزمان و نیز پایان تمام سختی ها و بدی ها با آمدن او می کند.

«بی تو اینجا همه در حبس ابد تبعیدند

سال ها، هجری و شمسی، همه بی خورشیدند

سیر تقویم جلالی به جمال تو خوش است

فصل ها را همه با فاصله ات سنجیدند.» (امین پور، 1388، 71 و 70)

امین پور با تشبیهی به جا، مهدی موعود را آفتاب پنهانی می نامد و معتقد است که او از قسمت شرق در جغرافیای عرفانی طلوع می کند. او دل خود را مضطرب و بی تاب آمدن میهمان عزیزی می داند که او را هزار بار سبزتر از بهار می پندارد. او موعود را «شگفت کسی» می خواند و قضاوت آن را به

مخاطب و اگذار می کند و با جمله ی «آن چنان که می دانی» نشان می دهد که روی صحبت او با کسانی است که می دانند و یا به عبارت دیگر می فهمند نه کسانی که دانش این ماجرا را ندارند. صاحب الزمان را نقطه ی آغاز هر چه پرواز می داند و بلافاصله با تغییر روی سخن به او (التفات)، او را نقطه پایان عشق می نامد. قیصر امین پور با نگاهی شاعرانه به باران آن را گریه ی ابر و دلیل اصلی آن را انتظار برای موعود می داند. سپس با اشاره به همین هوای بارانی، انتظار صاف شدن جو را مشروط به آمدن ناجی بشر می داند. روشن است که منظور از گرفتگی هوا، تیرگی های موجود در جهان است که امین پور امیدوار است با حضور امام زمان، به روشنی و نیکویی تبدیل شوند. نکته ای که در جای جای این اشعار دیده می شود؛ این است که قیصر امین پور همواره منتظر امام عصر بوده است و در این میان چه بسا که به درجاتی دست یافته باشد؛ چرا که «پیامبر اکرم در این باره فرموده اند: «افضل اعمال امتم، انتظار فرج است»» (قلندری، 1386، 16) قیصر امین پور، شهر (جهان هستی) را رو به ویرانی می بیند و آرزومند است که ولی عصر (عج) از اقلیمی که برای ما ناشناخته است، بیاید و به این ویرانی پایان دهد. او امام زمان را عاشقانه می ستاید و کشتی عشق را لنگر گرفته در کنار نام معشوق می بیند. امین پور با ایجاد تصویری متناقض نما (Paradoxi) یاد موعود را آرامشی طوفانی می داند. آرامشی که از درون، طوفانی بزرگ به پا می کند.

«طلوع می کند آن آفتاب پنهانی

ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی ...» (امین پور، 1388، 305 و 304)

قیصر امین پور صبح را بدون حضور امام زمان چون بعد از ظهر یک آدینه می داند. شاید بعد از ظهر جمعه ها خسته کننده ترین ساعات هفته باشد که با دلنگی همراه است! اما بنا به روایاتی، امام زمان در یک روز جمعه ظهور می کند و این می تواند اشاره ای ظریف به همین نکته باشد. قیصر امین پور چنان وابسته به امام زمان است که بی او، مهربانی را حالتی از کینه می بیند و معتقد است که کار عشق بازی دور از او، تعطیل است.

او با اشاره به کسانی که ظهور آقا را انکار می کنند، آنها را جغدهایی می نامد که بر ویرانه آواز می خوانند اما ویرانه ای که بوی گنجینه می دهد. این گنجینه، همان حضور و ظهور موعود است و ویرانه، اشاره به دنیا دارد. قیصر امین پور از دوری موعود معشوق گله مند است اما عشق و اندوه (آزار) را خوشایند می بیند و سکوت می کند. او تمام منتظران را «عاشق» می نامد و با اطمینان تمام به ظهور منجی بشر، قفل تیرگی ها را با دست او باز می بیند. می داند چرا که در دستش کلید «شهر پر آینه» را دارد. آینه چون زیاد شد تصاویر زیبایی را خلق می کند و نیز موجب دید و خود شناسی بیشتر می شود.

کاربرد این واژه در این غزل تحسین برانگیز و قابل تأمل است چرا که واژه ی «آینه» یکی از واژگان اساسی و پر بسامد در شعر امین پور است.

«صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد ...

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد» (همان، 409)

دروغنامه ی انتظار حدود چهار و نیم درصد از غزلیات امین پور را در بر می گیرد.

2- فرهنگ انتظار در شعر علیرضا قزوه:

علیرضا قزوه «به خاطر سرودن شعرهای آیینی و مذهبی از جمله ی شاعران آیینی به حساب می آید.» (جعفرموند، 1393، 9)؛ این شاعر «دردمند و متعهد، در مورد رنگ باختن ارزش های والای انقلاب اسلامی، خصوصاً بعد از حماسه ی دفاع مقدس، معترض و دغدغه مند است.» (علی آزاد منش، 1394، 24)؛ قزوه نیز مانند تمام مسلمانان معتقد است که یک منجی به داد همه ی عالم می رسد و ریشه ی ظلم و تباهی را بر می کند، کسی که با آمدنش قیامت می شود. «قیامت» علاوه بر اشاره به آخر زمان اصطلاحی عامیانه برای رویدادهای بسیار بزرگ است. منجی موعود طوفانی است که یک لحظه هم آرام نمی گیرد و به رسالتش عمل می کند. چنان با عظمت است که آسمان در برابر او گم است و از هر پر او (هر گوشه ای از وجود مقدس موعود)، یک جبرئیل (فرشته ی وحی، نشانه ی عظمت و تقدس) سر برون می آورد. تمام آفرینش وابسته و وامدار او هستند و عظمتش چنان است که شاعر خورشید را ایستاده بر آستان او می بیند و آمدنش را باعث اشتیاق آسمان می داند چنانکه آسمان به یمن رسیدن موعود تمام ستارگان را چون اسپند بر آتش مجمر او می ریزد. اسفند به مجمر ریختن یکی از رسومی است که با آمدن افرادی که برای میزبان خوشایند هستند؛ انجام می شود اما شاعر علاوه بر خوشحالی و اشتیاق افلاک، با

به آتش کشیدن اجرام آسمانی، فرا رسیدن آخرت و قیامت را به فرج امام زمان مربوط می کند:
 «او می آید آسمان از شوق آتش می شود
 دانه های کهکشان، اسپندهای مجمرش» (قزوه، 1387، سوره ی انکور، 48)

قزوه چنان عاشقانه به انتظار مهدی موعود نشسته است که تمام سال ها را به امید رسیدن او پشت سر می گذارد. با نگاهی دقیق می توان دریافت که شاعر به آمد و شد سال ها اهمیتی نمی دهد و زمانی را عید می داند که «او» ظهور کند و معنای حقیقی «حول حالنا» به انجام برسد. او موعود را مردی می بیند که کلید آسمان در دستش است. آسمان، نشانه ی عظمت و رفعت و نیز مرحله ای از عروج محسوب می شود. پس رستگاری واقعی انسان ها در گرو آمدن موعود است. شاعر با اشاره به داستان فرعون و حضرت موسی، همیشه فرعونی را حکمران جهان می بیند و آرزومند است که نیل روزگار آبستن موسی ای دیگر شود؛ این موسی، مهدی موعود است که زمان مرکب اوست و چنان با هیبت حرکت می کند که حتی بهرام ورجاوند (هر صاحب قدرتی) با فیل خود (اسباب و امکانات)، هرگز به گرد مرکب امام زمان نمی رسند:

«زمان، اسب سپید مهدی موعود را ماند
 به گردش کی رسد بهرام ورجاوند با فیلش؟» (همان، 105)

روز جمعه، روز مقدسی است و دلیل این تقدس این است که بنا به روایات، حضرت مهدی (عج) روز جمعه ای ظهور می کند. شاعر هر سحر جمعه با دعای ندبه، خواستار ظهور صاحب زمان می شود و او را همچون آینه ای پاک، زلال و شفاف تصور می کند. این بار آینه به منظور یافتن خویش به کار نرفته؛ بلکه شاعر به دنبال انعکاس نور خدا در آینه ی وجود حضرت مهدی (عج) است. او چنان در انتظار نشسته که در تصویری مبالغه آمیز چشمش پینه بسته است. چون همواره در انتظار آمدن کسی است که، از تمام آینه های (مناظر تجلی حقیقت) جهان برتر است و تمام آنها به او رشک می برند. دلیل این رشک بردن این است که هر فرستاده ای، قومی را از جهالت و تاریکی نجات داده است اما حضرت مهدی (عج) قرار است تمام دنیا را نجات دهد و صاحب کل زمان شود. پس شاعر او را «لوح محفوظ خدا» نام می نهد و از او می خواهد، هر چه زودتر آینگی (ظهور) کند و به کفر و کینه و آتش حاکم بر جهان پایان دهد:

«لوح محفوظ خدا! آینگی کن یک صبح

که جهان پر شده از آتش کفر و کینه...» (همان، 126)

در نگاهی دیگر، شاعر امام زمان را در سوگ اجداد مظلومش، داغ دار و اندوهگین می بیند و خاک (تمامی انسان ها) را بدون آمدن منجی، یتیم تصور می کند. یتیم بودن یکی از بدترین و اندوهناک ترین حالات برای بشر است. اما تنها انسان نیست که در فراق موعود می نالد. حتی عناصر بی جان مانند باد و کوچه هم در انتظار آمدن آن منجی بزرگ هستند. شاعر معتقد است که اگر حتی حضرت مسیح هم از آسمان چهارم به زمین بازگردد، باز هم بدون آمدن حضرت مهدی، زمین (مجازاً تمامی اهالی زمین) در تنهایی و بی نصیبی به سر می برند: (رک: همان، 141)

قزوه از انتظار، برداشت و هدف دیگری هم دارد. او بارها به فرا رسیدن قیامت با ظهور امام زمان، اشاره می کند پس در واقع همه منتظر فرا رسیدن قیامت هستیم؛ در آرزوی فرا رسیدن قیامت بودن، زمانی معقول است که انسان آماده رویارویی با قیامت و حوادث آن باشد. به همین دلیل، گفتیم که انتظار

یک آمادگی است. شاعر به تمام کسانی که دم از انتظار می زنند هشدار می دهد که «حتی برای ثانیه ای به خود بیاپید!» و به جای تظاهر، به فکر مرگ باشید چون رسیدن موعود، با اتمام زندگی مادی همراه است. در این شعر زمان به ساعتی تشبیه شده که برای ساعت قیامت تنظیم شده است و در زمان مقرر زنگ خواهد زد.

این تشبیه به مقرر بودن زمان ظهور اشاره دارد. در زمانی مشخص، سواری از سمت حرم به این سو می آید و با آمدن او، زمان و زمین در هم می ریزد و صبحگاهی فرا می رسد که دیگر کسی بر زمین آرام و قرار ندارد. حتی حضرت آدم هم دوباره زنده می شود و همه گواه و پاسخگو خواهند بود. پس به جای گذراندن عمر به بهانه ی انتظار، باید به فکر لحظه ای باشیم که مهدی موعود ظهور می کند. ظهور او برای همه خوشایند نیست. شاعر به این وسیله (تلفیق شعر انتظار و شعر اجتماعی)، جامعه را آگاه می کند و از همه می خواهد که به فکر مرگ و جهان دیگر باشند:

«به قدرت پلک بر هم خوردنی، آخر به خود آید
به فکر مرگ باشید آی مردم، دست کم یک روز» (همان، 122)

به غیر از عدالتخواهی، عامل دیگری که باعث انتظار شده است؛ عشق است. این بار شاعر عاشقانه موعود را می ستاید و چون معشوقی با او سخن می گوید که اجزای جمالش همگان را شیفته کرده است. معشوقی که جذبه ی چشمانش شاعر را به خلوت بیداران (صاحب دلان) کشیده است و ذره ای از کلامش مانند جرعه ای از شرابی است که کرامت دریا را با خود دارد.

قزوه با ایجاد پیوند میان شهداء و امام زمان، شهدا را یاران واقعی آن حضرت می شمارد که با او بیعت کرده اند و به خاطر این بیعت جان خود را فدای اسلام می کنند. منتظران واقعی، شهدا هستند و شاعر از موعود می خواهد که اگر به درخواست بقیه توجه نمی کند؛ به کاروانهای شهید شده در راه او پاسخ گوید و هرچه زودتر ظهور کند. در اینجا نیز شاعر با اندوه خود را شرمسار شهداء و امام زمان می بیند:

«در رهت به انتظار، صف به صف نشسته اند
کاروانی از شهید، کاروانی از بهار» (قزوه، 1387، از نخلستان تا خیابان، 15)

او همواره جهان را در غیبت حضرت موعود، به غربت تشبیه می کند و تمام سوگواری ها را همرنگ و متصل به این غم و اندوه گران می داند:

«چه روزهای غریبی را در انتظار تو سر کردیم
طنین غربت ما را داشت، صدای طبل عزاداران.» (همان، 13)

قزوه در ده درصد از اشعارش انتظار ظهور منجی موعود را در سر می پروراند، با او سخن می گوید و
عاشقانه منتظر اوست.

نتیجه گیری:

در ادبیات پس از انقلاب اسلامی، انتظار به عنوان یک آرمان مطرح می شود. جهان امروز با فاصله گرفتن از ارزش های انسانی نیاز به یک منجی معنوی و توانمند دارد تا فساد و تباهی ها را از بین ببرد. در نگرش شاعران معاصر به مقوله انتظار، احساس شاعر چنان درگیر می شود که عاشقانه منتظر مهدی موعود (عج) است.

از جمله شاعران مبحث انتظار می توان به قیصر امین پور و علیرضا قزوه اشاره نمود که از مقوله ی مهدویت و انتظار نیز در اشعارشان استفاده نموده اند. جایگاه ویژه ی شخصیت منجی موعود در ادبیات، نشان می دهد که این فرهنگ اهمیت به سزایی در شعر معاصر دارد و این دو شاعر با نگاهی عارفانه و عاشقانه به دنبال گم شده ی خود می گردند که همانا موعود دینی فرهنگ معاصر ماست و از او با القاب و عناوین زیبایی یاد می کنند که راهنمای زندگی فردی و جمعی افراد خواهد بود و تمام تاریکی ها و ظلم ها را به پایان خواهد رساند و او را منجی همه جانبه ی زندگی بشر می خواند.

نام شاعر	میزان غزلیات در کل اشعار	فرهنگ انتظار در غزلیات
قیصر امین پور	39 درصد	4/5 درصد
علیرضا قزوه	32 درصد	10 درصد

منابع:

- ##. آزادمنش، علی، شریفی، عبدالرضا، (1394)، جلوه های بصیرت و پایداری در اشعار علیرضا قزوه، همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.
- ##. امین پور، قیصر، (1388)، مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.
- ##. چناری، عبدالامیر، (1389)، سبک شناسی شعر قیصر امین پور (با تکیه بر نوآوری بلاغی)، پژوهشنامه ی علوم انسانی، شماره 67/3، صص 71-86.
- ##. شفیعی سروستانی، ابراهیم، (1387)، معرفت امام زمان (ع) و تکلیف منتظران، چاپ سوم، تهران: نشر موعود عصر (عج).
- ##. شیخ الرئیس کرمانی، عباس، (1383)، موعود امم، چاپ اول، تهران: انتشارات عصر ظهور.
- ##. قزوه، علیرضا، (1387)، از نخلستان تا خیابان، چاپ یازدهم، تهران: سوره مهر.
- ##. قزوه، علیرضا، (1387)، سوره ی انگور، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
- ##. قلندری بردسیری، حمید، (1386)، آخرین امام، چاپ سوم، قم: نشر فراگفت.
- ##. محدثی خراسانی، زهرا، (1388)، شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ##. مجلسی، محمد باقر، (1403ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجاهدی، محمد علی، (1394)، تاملی بر شعر آیینی، فصل نامه اختصاصی مطالعات

فرهنگی، بهار، سال اول پیش شماره ی 1.

موزن، جعفر، (1393)، بررسی و تحلیل سبک شناسی آثار علیرضا قزوه، پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.